

گفته‌های مرواریدی

بقلم:

محمد ریگی کوه

عنوان کتاب:	گفته‌های مرواریدی
نویسنده:	محمد ریگی کوته
موضوع:	اخلاق اسلامی - مواعظ و حکمت‌ها
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	تیر (سرطان) ۱۳۹۶ هـ ش - شوال ۱۴۳۸ هـ ق
منبع:	کتابخانه قلم www.qalamlib.com



این کتاب از سایت کتابخانه قلم دانلود شده است.

www.qalamlib.com

book@qalamlib.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.qalamlib.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه.....	۳
گفته‌های مرواریدی.....	۵
سازندگان تاریخ.....	۵
چه کسی را عبادت کنیم؟.....	۵
عبور از صراط.....	۶
مهندسی وجود.....	۶
زندگی مشترک.....	۷
گشایش حساب.....	۸
امروز و فردا.....	۸
سلاح امید.....	۹
آزاده کیست؟.....	۹
باشگاه خودسازی.....	۱۰
ما چرا نو نشویم؟.....	۱۰
بهار عمر.....	۱۱
پروانه دل.....	۱۱
آینه دل.....	۱۲

- ۱۲..... خاکریز ایمان
- ۱۳..... در کلاس عمر
- ۱۳..... برای که زندگی کنیم؟
- ۱۳..... آخر خط
- ۱۴..... مسابقه زندگی
- ۱۴..... کالای معیوب
- ۱۵..... رنگین کمان نیایش
- ۱۵..... گمشده کیست؟
- ۱۵..... اگر عاشق می‌شوی
- ۱۶..... دام و دانه
- ۱۶..... شعله‌های گناه
- ۱۷..... گل‌های زندگی
- ۱۷..... دربانی دل
- ۱۸..... خود یافتگان
- ۱۸..... اولین و آخرین اشتباه
- ۱۹..... سوت پایان مسابقه
- ۱۹..... نوار عمر
- ۱۹..... قطار زمان
- ۲۰..... ماهواره ملکوت
- ۲۰..... سخن و سکوت
- ۲۱..... قیمت عشق
- ۲۱..... پرونده

- ۲۲..... تا رسیدن به قله.....
- ۲۲..... دل و دیده.....
- ۲۳..... کوچکی و بزرگی.....
- ۲۳..... دوربین مدار بسته.....
- ۲۳..... نگاه و گناه.....
- ۲۴..... فرصت شهریور.....
- ۲۴..... از ولادت تا مرگ.....
- ۲۵..... تلخ و شیرین.....
- ۲۵..... کتاب درمانی.....
- ۲۶..... رای دادگاه.....
- ۲۶..... عینک واقع بینی.....
- ۲۷..... خط فاصله.....
- ۲۷..... انتخاب دوست.....
- ۲۸..... بینش و بینایی.....
- ۲۸..... آب صبر بر آتش خشم!.....
- ۲۹..... اول خویش بعد درویش!.....
- ۳۰..... زکات زینت و زیبایی!.....

تقدیم به کسی که....

در این اواخر دیدن چهره‌اش برایم آرزو شده بود. دیدن شکستن غرورش، سنگِ دلم را خورد می‌کرد. آن چیزی که توانِ تحرک و تکلم را از او سلب کرده بود تصادف نبود، رنج دلش بود، حرف‌های نگفته‌اش بود، غم سینه اش بود. حیف که هم صحبت خوبی نبودم. حیف که حسرت بهتر بودم تا ابد خواهد ماند. آخرین نگاهش را به یاد خواهم سپرد؛ همان نگاهی که از بین جمعیت گذشت و در کنار قبرستان با نگاهم گره خورد. فرق داشت آن نگاهِ سنگینش. تصور تنها بودنش هنگام پر کشیدنش، بال‌هایم را پرپر می‌کند. شاید آخرین آرزویش خداحافظی با میوه‌های زندگیش بود اما هم‌چون همیشه ناکام. چند سالی بود که دیدنِ او آشوبِ دلم بود.

اما....

خوشحالم که راحت شد، بد حالم که دیگه نیست.
آری تقدیم به پدر عزیز و مهربانم که دیگر در بین ما نیست ولی با وجود رفتن یادش همیشه در دل خواهد ماند.



و تقدیم به کسانی که بعد رفتن پدرم دلگرم به وجود آنها هستم:
«مادرم، برادرانم و خواهرانم»

تقدیر و تشکر

سپاس بی‌شمار، پروردگار یکتایی را سزااست که، وصف‌کننده‌ها از شناسایی و تعریف و توصیف او عاجزند، و عظمت و جلالش، اندیشه و خرد برترین اندیشمندان و خردمندان را زیون و ناتوان کرده است.

تقدیر و تشکر می‌کنم از همه عزیزانی که در زمینه دست به قلم شدنم مشوق من بوده‌اند و در سخت‌ترین شرایط زندگی رهایم نکردند. امیدوارم که با نوشتن این رساله کوچک بتوانم قطره‌ای از زحماتشان را جبران کنم.

مقدمه

الحمد لله الذي بعث إلينا أشرف الرُّسُلِ داعياً إلى اقْوَمِ السُّبُلِ وجَعَلَ أصحاباً له وُزَرَآءَ فِي عَهْدِهِ وخلفاءَهُ مِنْ بَعْدِهِ لِيَتِمَّ النِّعْمَةُ وَتَعُمَّ الرَّحْمَةُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَنَبِيُّهُ الَّذِي لَأَنْبِيَّ بَعْدَهُ صَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

تشنگی دل و جان ما را معارف اسلام سیراب می‌کند. گنجینه پایان ناپذیر آیات قرآن از سرمایه‌های عظیم و ماندگاری است که به لطف الله متعال برای هدایت گری و روشن کردن زندگی ما نازل شده است. از دوران نزول قرآن کریم قرن‌ها می‌گذرد اما ما هنوز توفیق بهره بردن از آن را داریم.

سخنان قرآن آنچنان عمیق، زیبا، کاربردی و فصیح است که چشم دل را مبهوت می‌سازد. زیرا منبع نزول آن، ناظر به همه ادوار و به تناسب همه مخاطبان و دردها و نیازها، راه حل و درمان ارائه فرموده است. از این رو کلمات قرآن دلنشین و روح پرور و مایه عبرت و سرمشق زندگی است.

باری، آنچه پیش رو دارید، قطره‌ای از اقیانوس بیکران منبع هستی است؛ مرواریدهای بر گرفته از کلمات کلام وحی است که با ترجمه و توضیحی مختصر، تقدیم می‌شود؛ دسته گلی است معطر، از بوستان با طراوت و همیشه سرسبز و خوشبوی معارف الهی.

سعی شده است آیاتی برگزیده شود که بیشتر حالت کاربردی و نقش آفرینی در رفتار روز مره و صحنه‌های زندگی‌مان داشته باشد، با توضیحاتی

روان و خودمانی، که بیشتر و بهتر بتواند با مخاطبان و خوانندگان، رابطه برقرار سازد.

با شد که فروغ کلام وحی، زوایای تاریک زندگی و دلمان را روشن سازد و در سایه رهنمودهای حضرتش، «راه» را روشنتر ببینیم و «هدف» زندگی را از یاد نبریم.... ان شاء الله العزیز.

پیشاپیش از خوانندگان عزیز و گرامی تقاضا می‌شود هرگونه کمی و کاستی را به بزرگواری خویش بر ما ببخشایند و ما را از راهنمایی‌های استادانه خویش محروم نسازند و انتقادهای سازنده خویش را برای ما ایمیل کنند.

Aminrigi

گفته‌های مرواریدی

[النمل: ۶۹].

ترجمه: «بگو: در زمین بگردید و بنگرید فرجام گنه‌پیشگان چگونه بوده است».

در «محراب پاکی» پیشوای پاکان باشید. بگذارید از زبان و رفتار شما «خوبی» بجوشد و به خانه‌ی دل‌های دیگران جاری شود. بعضی ساخت تاریخ‌اند، بعضی سازنده تاریخ. شما از کدام گروه هستید؟ با عمل‌های خود دعوت‌گر مردم باشید.

[الأ‌نعام: ۱۶۲].

ترجمه: بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است».

[آل عمران: ۵۱].

ترجمه: «در حقیقت، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید [که] راه راست این است».

برای آنکه عصا زنان در کوچه پس کوچه‌های عمر، در پی «جوانی گمشده» مان نگردیم امروز قدر جوانی را بدانیم، هر کسی بی‌هدف زندگی

کند هرچه پیش می‌رود از هدف اصلی دورتر می‌شود. «هدف شناسی» به عمر ما برکت می‌دهد و به حرکت ما «جهت» می‌بخشد.

[مریم: ۷۱-۷۲]

«و هیچ یک از شما نیست؛ مگر آن که وارد آن (= جهنم) شود، این وعده) بر پروردگارت فرمانی حتمی (و شدنی) است سپس کسانی را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم، و ستمکاران را به زانو در آمده در آن رها می‌کنیم».

بهشت آن سوی رود خروشان گناه است. آنان که در این دنیا، با تمرین و ممارست، چشم پوشی از گناه را به راحتی انجام می‌دهند، در آخرت هم از «صراط» که بر روی جهنم است، با سرعت و سلامت خواهند گذشت. اللهم اهدنا الصراط المستقیم.

[الذاریات: ۲۱]

«و [نیز] در وجود شما [نشانه‌هایی است] آیا نمی‌بینید؟»

[فصلت: ۵۳]

«به زودی نشانه‌های خود را در آفاق و در نفس خودشان به آن‌ها نشان خواهیم داد، تا برای آن‌ها روشن گردد که او حق است، آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است؟!»

[الزمر: ۲۷].

ترجمه: «و در این قرآن از هر گونه مثلی برای مردم آوردیم، باشد که آنان پندگیرند».

اگر بتوانیم در «هندسه وجود» خویش، شکل مطلوبی ترسیم کنیم، ما هم مهندسیم.

اگر دایره تلاشمان بر محور «نقطه ایمان» باشد، از «بی شکلی» رها می‌شویم. با تدبیر و دور اندیشی، برای خود «هدف» و «آینده» ای ترسیم کنیم. آینده نگری قبل از عمل جلوی پشیمانی را می‌گیرد.

[الروم: ۲۱].

ترجمه: «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است».

ازدواج تنها در آمدن از «تنهایی» نیست، بلکه رسیدن به همدلی و همراهی و همروحي است. خیلی وقت‌ها، عشق‌های تجاری و عشق‌های اتوبوسی و شناخت‌های تلفنی و اینترنتی سر از «ناکجا آباد» در می‌آورد. کانون مقدس خانواده را روی ریگزارهای هوس و زمین سست و بی‌دوام بنا نکنیم. نباید زیبای زن را به دینداری او ترجیح داد.

[ص: ۳۹].

ترجمه: «[گفتیم]: «این بخشش ماست، [آن را] بی‌شمار ببخش یا نگاه دار.».

[العصر: ۱-۳] «سوگند

به عصر که انسان در (خسران و) زیان است مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش نموده، و یکدیگر را به صبر سفارش کرده‌اند».

آیا بر عمر از دست رفته هم، به اندازه پول گمشده، غصه می‌خوریم؟
 آیا به اندازه «سلامت جسم» به «سلامت روح» می‌اندیشسیم؟
 قدر لحظه لحظه عمرمان را بدانیم و برایش حساب باز کنیم.
 عمرمان را در آنچه برایمان باقی نمی‌ماند تباه نکنیم

[آل‌عمران: ۱۱۴].

ترجمه: «به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند، و آنان از شایستگانند».

«هر کس که کار شایسته‌ی انجام دهد، پس به سود خود اوست، و هر کس بدی کند، پس به زیان اوست، و پروردگار تو هرگز به بندگان ستم نمی‌کند».

کسانی که «امروزشان» را به امید «فردا» می‌گذرانند فردایشان هم به حسرت «دیروز» خواهد گذشت.

بُرد با کسی است که از دوران فراغت، برای ایام گرفتاری بهره جویند و از ایام جوانی برای دوران پیری و ضعف ذخیره سازی کند. کار هر روز را همان روز انجام دهیم و برای فردایش نگذاریم.

[یوسف: ۸۷].

ترجمه: «از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود».

همه راه‌ها به «نمی‌شود» ختم نمی‌شود. همه کوجه‌ها هم به «بن بست» نیست. انسان بی‌امید، رزمنده خلع سلاح شده‌ای است که به راحتی در برابر هجوم سپاه سختی‌ها تسلیم می‌شود.

هیچ وقت «سلاح امید» را از دست ندهیم. چون هر امیدواری جوینده است.

[طه: ۱۶].

ترجمه: «مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوای نفسش پیروی کرده است تو را از آن باز دارد، آن گاه هلاک شوی».

[الجاثية: ۲۳]

«آیا دیده‌ای کسی را که معبود خود را هوای (نفسانی) خویش قرار داد، و الله از روی علم او را گمراه کرد، و بر گوشش و دلش مهر نهاد، و بر دیده اش پرده قرار داد؟! پس (اگر الله هدایتش نکند) چه کسی بعد از الله او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟!».

آن کس که اسیر «خویشتن» است، اسیر «دشمن» هم می‌شود. آزاده کسی است که از دام خواهشات نفس رها شده، مالک دنیا و ثروت باشد، نه مملوک و برده آن! آزاده واقعی همان بنده واقعی خداست! برده واقعی همان آزاده دنیایی است!

[الفرقان: ۴۳].

ترجمه: «آیا آن کس که هوای [نفس] خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟ آیا [می‌توانی] ضامن او باشی؟»
باید به «باشگاه خودسازی» رفت و با تمرین «آزاده» را تقویت کرد. یکی از تمرین‌ها رها ساختن «دل» از اسارت «هوس» است. اوراق «پرونده دل» را ورق بزنیم و صفحه به صفحه در جستجوی آفت‌ها باشیم و به دنبال درمان آنها برویم. اگر پیروی از هوای نفس کنی، تو را کر و کور می‌سازد!

[النور: ۳۱].

ترجمه: «ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید».

«بهار» رستاخیزی است که حیات را از «گور طبیعت» بیرون می‌آورد. «بهار» غزل زیبای طبیعت و آیتی از قدرت خداست. وقتی با رسیدن بهار، طبیعت «نو» می‌شود. ما چرا نو نشویم؟ ناتوان‌ترین مردم کسی است که از اصلاح خویش عاجز باشد.

[الکھف: ۱۳].

ترجمه: «ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم»
 آنان که «سرمایه جوانی» را هدر می‌دهند، نصیب آنان در آینده عمرشان جزء «بار حسرت» و «میوه ندامت» نخواهد بود.
 جوانی بهار عمر است. دریغا اگر بلور شفاف جوانی را با «سنگ غفلت» بشکنیم. خداوند دوست می‌دارد جوانی را که جوانی خود را در راه خدا می‌گذراند.

[الفرقان: ۲۸].

ترجمه: «ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم»
 پروانه دل‌تان را به سوی هر گلی نفرستید. دوستی با یک معتاد، مسلول و جذامی، سالم را هم مریض می‌کند. معاشرت با آدم‌هایی حریص، حسود، لابلایی و گناه‌کار هم آدم را به‌همین دردها مبتلا می‌کند. تا می‌توان با

گل‌های معطر دوست شد. چرا همنشینی با زباله‌های متعفن؟ همان تنهایی بهتر است از اینکه با چنین کسانی دوست باشیم.

[الرعد: ۲۸].

ترجمه: «همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد»
آنکه چهره، جان را در «چشمه ذکر» می‌شوید، اهل صفا می‌شود. غفلت آینه دل را تیره می‌سازد. کدام خشتِ تیره تا کنون جلوگاه فروغ خورشید بوده است؟ دل‌ها را روشن نگه داریم تا نور خدا در آنها بتابد. و با یاد خدا دل‌هایمان را شفا دهیم.

[الأنفال: ۲].

ترجمه: «مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند».

یک جوان بی‌ایمان، خلوتی گناه آلود دارد. تنهایمان را با «حضور خدا» پُر کنیم. تا جایی برای شیطان نماند. در سنگر عقیده موضع بگیریم، تا شیطان نتواند «خاکریز ایمان» را خراب کند و به منطقه دلمان وارد شود. با یاد خدا طرد شیطان امکانپذیر است ولاغیر

[الکھف: ۱۰۳].

ترجمه: «بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟». در کلاس عمر، هرکس را یک بار می‌نشانند و درس می‌دهند و امتحان می‌گیرند. ما اکنون سر کلاس نشسته‌ایم، کارنامه اعمال ما را در قیامت به دست ما می‌دهند، خدا کند از مردودان و شرمساران آن روز نباشیم. با نیکوکاری به عمرمان برکت دهیم.

[النساء: ۸۰].

ترجمه: «هر کس از پیامبر فرمان بَرَد، در حقیقت، خدا را فرمان برده است». ادامه راه خطا، تنها بخاطر حرف مردم، دلیل ضعف اراده است. مگر برای مردم زندگی می‌کنیم؟ کار نیکو ره توشه، خوبی است برای سفر آخرت. باید معمار جان خویش بود و نقشه را از خدا و رسول گرفت و خانه‌ای ابدی ساخت.

[الأنعام: ۱۱].

ترجمه: «بگو: در زمین بگردید، آن گاه بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟».

«تجربه» آینه زلالی است که خیلی از حقیقت‌ها را در آن می‌توان دید. تجربه، چراغ راه زندگی است. این چراغ را روشن نگه داریم و در پرتو آن، راه را بهتر بینماییم. ثمره تجربه گزینش خوب است.

[البقرة: ۱۴۸].

ترجمه: «پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد در حقیقت، خدا بر همه چیز تواناست».

زندگی مجموعه‌ای از اوج‌ها و فرودها است زندگی مسابقه‌ای است همگانی، همیشگی، و سراسری. در این مسابقه چه کسی می‌برد و چه کسی می‌بازد؟...
اصلا برد در مسابقه زندگی به چیست و باخت به چیست؟

[الأنفال: ۴۷].

ترجمه: «و مانند کسانی مباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می‌داشتند، و خدا به آنچه می‌کنند احاطه دارد».

کارهای ریا، همان اجناس خراب است، خدا که مشتری اعمال ماست، جز «متاع خوب» و «عمل خالص» را نمی‌پذیرد. خوب و بد کالاها را هم خوب می‌شناسد! خداوند عملی را که ذره‌ای ریا در آن باشد را نمی‌پذیرد. پس....
چرا ریا و تظاهر؟

[الأعراف: ۵۵].

ترجمه: «پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد».

وقتی آسمان دلتان می‌گیرد و هوای چشمتان ابری می‌شود، بهار اشک ریختن است و باریدن.

باید قدر قطره‌های اشک را دانست. گاهی یک قطره اشک دوزخی را خاموش می‌کند!

[الحشر: ۱۹].

ترجمه: «و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد آنان همان نافرمانانند».

هرچه گمشده شما گرانبها تر باشد، هم غصه از دست دادنش سنگین‌تر است، هم شادی به دست آوردنش بیشتر. آیا شده است که پس از مدتی خود گم کردگی، به «خود یابی» رسیده باشید؟ وقتی انسان جهانی می‌ارزد، چرا باید خود را حراج کرد؟؟

[النور: ۳۰].

ترجمه: «به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است».

اگر دل می‌سپاری، به چیزی بسپار که بیارزد. اگر عاشق می‌شوی، عشقت به چیزی باشد که از خودت ارزشمندتر باشد. اگر می‌خواهی دل هوس بی‌جا نکند چشم خود را کنترل کن.

[الروم: ۳۶].

ترجمه: «و چون مردم را رحمتی بچشانیم، بدان شاد می‌گردند و چون به [سزای] آنچه دستاورد گذشته آنان است، صدمه‌ای به ایشان برسد، بناگاه نوامید می‌شوند».

باید از پس «دانه»ها، «دام»ها را شناخت و از پشتِ ماسک‌ها، چهره‌های اصلی را دید. آنان که می‌خواهند با «گناه» تفریح کنند، دو برابر آن به رنج روحی و عذاب وجدان گرفتار می‌شوند. بعضی‌ها معصیت را با تفریح، عوضی می‌گیرند!

[البقرة: ۸۲].

ترجمه: «و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اهل بهشتند، و در آن جاودان خواهند ماند».

«خانه آخرت» در همین دنیا ساخته می‌شود، معمار آن نیز خودمان هستیم و مصالح آن عمل‌های ماست. کارهای خوبمان برای ما بهشت می‌سازد و کارهای بدمان تبدیل به شعله‌های درزخ خواهد شد. باغ و

بوستانی را که با «عمل صالح» در بهشت برای خودمان ساخته و پرداخته‌ایم،
با شعله‌های گناه به آتش نکشیم!

[التحریم: ۶].

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید، بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده]‌اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند»
«خانواده» یک بوستان و مزرعه است. «پدر و مادر»، باغبان و گل کارند. «فرزندان» هم شکوفه‌های این باغ و میوه‌های این بوستان و مزرعه‌اند. از این گل‌ها مواظبت کنیم تا پژمرده نشوند و به تاراج نروند. یادمان باشد بهترین میراثی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند ادب است.

[الکھف: ۲۸].

ترجمه: «و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است، اطاعت مکن.»
«دل» هم می‌تواند خانه خدا باشد، هم می‌تواند پایگاه شیطان. اگر بخواهی ابلیس به خانه دلت راه نیابد و آن را اشغال نکند، این خانه را به

خدا بسپار. دربان دلت باش تا اشغال نشود. روشنی این دل‌ها با یاد خدا و تلاوت قرآن است.

[البقرة: ۲۱].

ترجمه: «ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید باشد که به تقوا گرایید».

خوشا به حال آنان که می‌دانند «کیستند» و «چیستند» و «چند می‌ارزند». هیچ شناختی مانند خودشناسی نیست. «خودیافته» کسی است که از منزل و مأوای خویش باخبر باشد و بداند که از کجا آمده و آمدنش بهر چه بود؟ راستی آخر به کجا می‌رویم؟

[آل عمران: ۱۳۷].

ترجمه: «قطعاً پیش از شما سَنَّت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟».

گاهی اولین اشتباه آخرین اشتباه هم هست. یعنی یک لغزش در زندگی و خطا در محاسبه و اشتباه در تصمیم‌گیری، چنان سرانجام شومی دارد که زندگی را تباہ می‌کند و فرصتی هم برای جبران نمی‌ماند. استفاده از تجارب دیگران، عقل مضاعف و حیات مجدد است.

[الأعراف: ۳۴].

ترجمه: «و برای هر امتی اجلی است پس چون اجل‌شان فرا رسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش».

مرگ، داوری است که ناگهان پا به مسابقه می‌گذارد و سوت پایان مسابقه را به صدا در می‌آورد، حتی یک دقیقه هم بازی را تمدید نمی‌کند. در آخر کار باید دید که برنده و بازنده کیست؟؟ زیان کار و خسران دیده کسی است که عمرش را باخته باشد.

[المنافقون: ۱۱].

ترجمه: «و هرکس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی‌اندازد، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است».

ما با روزگار در حال داد و ستد هستیم. او از ما عمر و جوانی و نیرو می‌گیرد. ما از او چه می‌گیریم و چه گرفته‌ایم؟ روزی که «نوار عمر» به پایان برسد. امکان بازگرداندن آن به اول نیست. فرصت را دریاب قبل از آنکه مایه اندوه شود.

[یونس: ۲۳].

ترجمه: «پس چون آنان را رهانید، ناگهان در زمین بناحق سرکشی می‌کنند. ای مردم، سرکشی شما فقط به زیان خود شماست. [شما] بهره زندگی دنیا را [می‌طلبید]. سپس بازگشت شما به سوی ما خواهد بود. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهیم کرد».

دنیا «ریل» بلند و قدیمی است که «قطار زمان» از آن می‌گذرد ما هم «مسافریم» از روستای دنیا به شهر آخرت! پشیمانی وقتی است که ببینیم توشه‌ای بر نداشته‌ایم و دست خالی آمده‌ایم.

[الانفطار: ۱۰-۱۲]

ترجمه: «و قطعاً بر شما نگهبانانی گماشته شده‌اند، فرشتگان بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند، آنچه را می‌کنید، می‌دانند».

شیطان سعی می‌کند رابطه اهل دعا و نماز را با مرکز هستی قطع نماید. این مکالمات نباید قطع و وصل شود چرا که صفحه زندگی ما با «ماهواره‌های ملکوت» برای آسمانیان «رصد» می‌شود. آنجا برترین‌ها انتخاب و جایزه داده می‌شوند.

[الفرقان: ۶۳].

ترجمه: «و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند».

سکوت خوب است، اما حرف مفید بهتر از سکوت است! هم برای حرف زدن باید تمرین داشت و هم برای سکوت کردن. پس زبان و سخن را در اختیار داشته باشیم.

[آل عمران: ۱۴].

ترجمه: «دوستی خواستنی‌های [گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزار[ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست، و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست».

عشق، «معراج» عاشق است. آنکه عشق و هوس را باهم اشتباه می‌گیرد، در منجلاب و پستی می‌ماند. عشق‌های برتر، انسان را از عشق‌های پست دور می‌کند. بعضی‌ها به‌نام عشق، دل را به هرکه از راه می‌رسد می‌فروشند!!

[النبا: ۱۰-۱۲].

ترجمه: «و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم. و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم. و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم». گذشت شب و روز و سپری شدن هفته‌ها و ماه‌ها، برای ما «پرونده» و «کارنامه» تشکیل می‌دهد. کارنامه سال گذشته را مرور کنیم، تا چهره جان

و صورت رفتار خویش را «آینه اعمال» خود بنگریم در فرصت باقی مانده، چه باید کرد که «بهترین کار» باشد؟؟

[العصر: ۱-۳].

ترجمه: «سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]، که واقعاً انسان در زیانکاری است مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند». خوب بودن، دست یافتن به «قله» است. بد بودن، حرکت به سمت دره و باتلاق است. آنچه هنر است، دست یابی به قله و صعود به ارتفاعات کمال است نه غلتیدن به دره‌های هولناک معصیت!

[الإسراء: ۳۶]

«و از آنچه به آن علم نداری، پیروی نکن، بدون شک گوش و چشم و دل، هر یک از این‌ها از آن بازخواست خواهند شد». دو طفل معصوم «دل» و «دیده» را به حال خودشان رها مکن، که یا گم می‌شوند، یا به‌دامن غریبه‌ها می‌افتند. دل را از محبت خدا پر کنیم، تا جایی برای محبت شیطان نماند.

[طه: ۱۲۴].

ترجمه: «و هر کس از یاد من روی گردان شود، در حقیقت، زندگیِ تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم». پیمودن راه دراز «خاک» تا «خدا» با بال نماز و پرواز عشق میسر است، در آستان خدا هرکه خاضع‌تر و بنده‌تر است، مقرب‌تر و کامل‌تر است. تا «بنده» نشویم «آزاده» نمی‌شویم و... تا کوچک نشویم به عظمت و بزرگی نمی‌رسیم.

[ق: ۱۸]

«هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد، مگر اینکه نزدش مراقبی حاضر (و آماده نوشتن) است». دوربین‌های مخفی و مدار بسته الهی، در همه ساعات شبانه روز، و در همه جا و در همه حال، از ما تصویر می‌گیرند و ثبت می‌کنند. حواسمان باشد ما را زیر نظر دارد غافل نباشیم! از هر کاری که در پنهان انجام می‌شود، ولی از انجام آشکار آن خجالت می‌کشیم، بپرهیزیم.

[النور: ۳۰].

ترجمه: «به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند».

«نگاه» را مهار کن، تا به «گناه» نیفتی، امیر نگاهت باش تا اسیر گناهت نشوی. وقتی لکه‌های غفلت و گناه، صفحه سفید دل را تیره می‌سازد و سنگ معصیت، آینه نجابت را می‌شکند، باید هوشیار بود. چشم‌ها دام‌های شیطان است.

[الفرقان: ۷۰].

ترجمه: «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خدا همواره آمرزنده مهربان است».

میدان وسیع روشنایی، آن سوتر از «چاه گناه» است، تنها یک گام می‌خواهد. آن هم «توبه» است. توبه مثل امتحان شهریور ماه، فرصتی است برای جبران کاستی‌ها و خطاها. تا در توبه باز است باید به خدا روی آورد، خوشا اشک‌های چشم توبه کاران نادم! مگر نه اینکه توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناه نکرده است؟؟

[الملک: ۲].

ترجمه: «همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و اوست ارجمند آمرزنده».

آنان که زندگی را تنها در فاصله میان ولادت تا مرگ خلاصه می‌کنند، خیلی زود به «پوچی» می‌رسند. ما با مرگ تمام نمی‌شویم. منکران

رستاخیز چون مرگ را پایان خط می‌بینند، خیلی زود بی‌انگیزه و نا امید می‌شوند. عقیده به معاد، هم زندگی ما را پر بار می‌کند؟ هم به آن جهت می‌بخشد. مرگ آغاز است نه پایان! مرگ دروازه آخرت است!

[آل‌عمران: ۱۰۳].

ترجمه: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید».

کسی که از «چاپلوسی» دیگران لذت می‌برد، باید انتظار شنیدن «دروغ» و «تهمت» را هم داشته باشد. کسی که از تجربه‌های دیگران درس بگیرد، عمری چند باره می‌کند. کسی که تلخی تفرقه و جدایی را نچشیده باشد، طعم شیرین وحدت و همدلی را نمی‌فهمد. پس خردمند کسی است که تجربه‌ها او را پند دهد.

[العلق: ۱].

ترجمه: «بخوان به نام پروردگارت که آفرید».

کتابخانه، معبد اهل دانش و محراب مقدس علم آموزی است. کمبود مطالعه، یک عارضه منفی است که باید به درمان آن پرداخت. کم خونی «رگ‌های ایمان» را با مطالعه آثار خوب جبران کنیم، قرآن تنها یک کتاب نیست! بلکه یک کتاب‌خانه بزرگ است، کتاب‌ها بوستان دانشمندانند.

[فصلت: ۲۰].

ترجمه: «تا چون بدان رسند، گوش‌شان و دیدگان‌شان و پوست‌شان به آنچه می‌کرده‌اند، بر ضدّشان گواهی دهند».

قیامت یک دادگاه عمومی است. قاضی این دادگاه، «خداوند» است. افزون بر علم و آگاهی خداوند، چشم و گوش و دست و زبان و اعضای ما هم «شاهد» این محکمه‌اند. زد و بند هم ممکن نیست و دروغ هم نمی‌توان گفت. کسی که زیاد به یاد آخرت باشد، گناه‌کاری او کم می‌شود. رای دادگاه را حدس بزنید!!

[الحجرات: ۱۲].

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است».

عینک خوش بینی زدن، زشت‌ها را هم نیکو جلوه می‌دهد. عینک بدبینی، بی‌جهت دشمنی و حسادت و عداوت پدید می‌آورد و دوستی‌ها را به هم می‌زند. خوشبینان بیش از حد زود فریب می‌خورند. بدبینان افراطی هم همیشه در عذابند و از همه ترسان و گریزان. چه زیباست «عینک واقع بینی» و دوری از افراط و تفریط. بدگمانی کارها را خراب می‌کند و بدی‌ها را برمی‌انگیزد.

[النور: ۲۱].

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پای از پی گامهای شیطان منهدید، و هرکس پای برجای گامهای شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وامی‌دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ‌کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هرکس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست».

نگذاریم بین خودمان و خدا فاصله بیفتد. که گم شویم. نگذاریم شیاطین، رشته پیوند میان بندگان و خداوند را پاره کند. که وصل دوباره دشوار است. بجای «خط فاصله» بکوشیم «واو عاطفه» باشیم نزدیک‌ترین دوستی، دوستی دل‌ها است.

[الفرقان: ۲۸].

ترجمه: «وای بر من، کاش فلان را دوست نمی‌گرفتم».

در اینکه هزار دوست کم است و یک دشمن بسیار حرفی نیست! در این هم که انتخاب دوست، هنر است و هنر بزرگ‌تر نگهداشتن دوست است، سخنی نیست.

مهم‌تر از همه داشتن معیار در انتخاب دوست است. دوستانی انتخاب کنید که با فکر و فرهنگ و باورهای دینی و سنت‌های ارزشمند مکتبی و

ملی شما متناسب باشد، وگرنه چهره زندگی و اخلاق اجتماعی شما زشت و ناهماهنگ خواهد شد.

کسی که به ایمان و اخلاق و تعهد شما آسیب برساند، «وصله ناجور» بر اندام شماست!

[الأنعام: ۱۰۴].

ترجمه: «پس هرکه به دیده بصیرت بنگرد به سود خود او، و هرکس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست، و من بر شما نگهبان نیستم.»
گرچه «چشم»، برای تشخیص راه و چاه و دیوار و درّه، هنگام رفتن و عبور و مرور است، وای «راه» که همیشه کوچه و خیابان نیست که فقط چشم به کار آید!

هم «بصر» لازم است، هم «بصیرت»، ولی کدام یک لازم‌تر؟
هم «کوری» بد است، هم «کوردلی»، اما کدام یک ضایع‌بارتر و زیان‌آورتر؟
از چشم سر چه سود، اگر «چشم دل» کور باشد؟
اگر «بینش» و «بینایی» را باهم داشته باشیم، این همان «نور علی نور» است.

وَيُذِيبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ ۱۵
[التوبة: ۱۵]. ترجمه: «خشم و کینه دل‌های آنان را از میان برمی‌دارد و خدا توبه هرکس را بخواهد می‌پذیرد و خدا دانای با حکمت است.»

[آل عمران: ۱۳۴] ترجمه: «و

خشم خود را فرو می‌برند، و از مردم در می‌گذرند، و الله نیکوکاران را دوست می‌دارد»

بی‌جهت نیست که غضب را به «شعله سرکش» و «آتش گدازان» تشبیه کرده‌اند. سوزندگی خشم هم نسبت به خود فرد خشمگین است، هم نسبت به دیگرانی که مورد غضب قرار می‌گیرند!

صبر نمودن مثل آبی است که آتش خشم را خاموش می‌سازد! بر عکس، تندی و پرخاش آن شعله را، شعله ورت‌تر می‌کند.

خوشا آنان که با «آب حلم»، آتش غضب را فرو می‌نشانند.

[الشعراء: ۲۱۴].

«و بترسان خویشانت را که نزدیک‌ترند».

... [البقرة: ۸۳]

...

«... و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بی‌نویان نیکی کنید».

[الإسراء: ۲۶]

«و حق خویشاوندان را بپرداز، و (همچنین حق) مسکین، و در راه مانده را (بپرداز)».

نیکی به بستگان و خویشاوندان، جای دوری نمی‌رود.

ثمره احسان و اکرام نسبت به اقوام و عشیره، به خود انسان بر می‌گردد و آنان را به عنوان یک «پشتوانه» و «تکیه‌گاه» در هنگامه خطر و مواقع نیاز برای ما نگاه می‌دارد.

اگر از «خویشاوندان» خیر به یکدیگر نرسد و همه بازوی یکدیگر نباشند،
از بی‌گانگان و «اغیار» چه انتظاری است؟
بال پرواز هم باشیم، نه قیچی بریدن و چیدن بال و پرا!

[النور: ۳۱].

ترجمه: «به زنان مؤمنه بگو، که چشمان خود را از نامحرم بپوشند و فروج
خود را از حرام محفوظ بدارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه اجباراً
ظاهر میشود بر نامحرم آشکار نسازند».
زیبایی و جمال، نعمتی خدادادی است. عفاف و پاکدامنی و پرهیز از گناه
هم، شکرانه و زکات این نعمت به شمار می‌رود.
چه بسیارند آنان که اسیر «چاه زیبایی» خویش‌اند. «عفاف» خوشتنداری
در برابر هوس‌ها، جاذبه‌ها، دلفریبی‌ها و وسوسه‌های نفس اماره است.
جمال، هرگز مجوز ارتکاب گناه و افتادن و دامن آلودگی و افکندن
دیگران به ورطه فساد نیست.
هرگز مبادا که نعمت، برای ما نعمت گردد!

تمت بالخیر